



گفت‌وگوی «فرهیختگان» با عبدالحمید انصاری، مدیرعامل اسبق بانک ملی درباره التهابات بازار ارز و بسته سیاستی بانک مرکزی

بانک مرکزی اقتدار لازم برای اصلاح ساختار بانک‌ها را ندارد

نوسانات قیمتی یا به عبارت

بهتر التهابات بازار ارز موضوعی است که اگرچه عمدتاً در اقتصاد ایران خیلی یکباره و به صورت دفعی رخ می‌دهد و به تبع آن تا حدودی نیز یکباره و بدون اعمال سیاست اقتصادی خاصی و صرفاً با سیاست‌های کوتاه‌مدت و دستوری دولت فروکش می‌کند، اما آثار اقتصادی آن به سرعت برق و باد خودش را در شاخص‌های اقتصادی به خصوص قیمت کالاها نشان داده و البته خیلی دیر و با سرعتی لاک‌پشتی خنثی شده و به تعادل می‌رسد. چند روزی از پایان التهابات ارزی در کشور گذشته است و قیمت‌ها تا حدودی به وضعیت قبل بازگشته‌اند، اما هنوز هم که هنوز است تبعات این التهاب ارزی را می‌توان در بازار و قیمت کالاهای اساسی دید. بانک مرکزی به عنوان متولی اصلی حفظ ارزش پول ملی در روزهای گذشته بسته‌ای را با سه دستور یا راهکار مشخص برای مقابله با التهابات ارزی ارائه داده است؛ بسته‌ای که برای بررسی بیشتر آن سراغ دکتر عبدالحمید انصاری، مدیرکل اسبق اعتبارات بانک مرکزی که سابقه مدیریت بانک ملی را نیز در کارنامه دارد رفتیم. انصاری در این زمینه به «فرهیختگان» می‌گوید: «التهابات جدید به‌طور طبیعی ناشی از سرازیر شدن بخشی از نقدینگی‌هایی است که از جاهای دیگر به این قسمت می‌آید. دولت هم به صراحت به این موضوع اذعان داشته است. البته این به معنای آن نیست که در بخش عرضه یا تقاضا زمین گیر شدند. نه، آنها هم می‌توانند موثر باشند، بلکه باید به آمارها مراجعه کرد و دید با افزایش پایه پولی و افزایش رشد نقدینگی که از ابتدای دولت یازدهم تا الان بیش از چند برابر شده و اکنون ۱۴۷۰ هزار میلیارد تومان است، طبیعتاً این کارکرد خودش را دارد و هجوم جدی را در زمان‌های مختلف برای ورود به بخش‌های پرسودتر تجربه می‌کند.» در ادامه متن کامل این گفت‌وگو از نظرات می‌گذرد:

عده‌ای معتقدند

کاهش عرضه دلیل اصلی این افزایش قیمت بوده و البته عده‌ای نیز معتقدند افزایش تقاضا دلیل اصلی این موضوع است. به هر حال اگر ما کاهش عرضه را دلیل اصلی این نوسانات بدانیم، تقریباً می‌توان گفت بسته بانک مرکزی کارایی نخواهد داشت. دولت که صراحتاً اعلام کرده فروش نفت ما از ۸۰۰ هزار بشکه در زمان تحریم‌ها به بیش از ۲/۵ میلیون بشکه رسیده است. از طرفی دسترسی به ارز حاصل از فروش نفت نیز وجود دارد. پتروشیمی‌ها و صادرکنندگان دولتی هم که رسماً در رسانه‌های عمومی اعلام می‌کنند تمام یا حداقل بخش قابل توجهی از ارزهایمان را به بازار عرضه می‌کنیم. بنابراین به اذعان دولتی‌ها ما نباید عرضه ارز را سرمنشأ مشکلات موجود بدانیم. اما همان‌طور که گفتیم، بانک مرکزی سیاست‌ها و روش‌های غلطی دارد که برای سال‌های طولانی است و اعمال این سیاست‌ها باعث شده اقتدار مدیریتی اصلاح این معضلات در بانک مرکزی وجود نداشته باشد. یکی از این مسائل بحث موسسات مالی غیرمجاز بود. خب معاون بانک مرکزی به صراحت در گفت‌وگویی اذعان داشت یکی از دلایل نوسانات نرخ ارز پرداخت پول‌های این موسسات غیرمجاز به سپرده‌گذاری است که خارج از روال طبیعی و قانونی سرمایه‌گذاری کرده‌اند و ۱۱۵۰۰ میلیارد تومان به اینها پول تزریق شده که این پول در اختیار این افراد به بخش سکه و ارز هجوم برده و حتی در آینده ممکن است بخشی از آن به بخش مسکن برود.

اگر اقتصاد کشور به همین صورت اداره

شود، به نظرم این فتر مرتباً در حال فشرده شدن است. ولی اگر طراحی‌های اقتصادی مبتنی بر برنامه‌های اقتصاد مقاومتی که خود دولت مصوب و ابلاغ کرده است و متأسفانه در عمل هیچ عباتی به آن ندارد - یعنی اقتصاد تولیدمحور را محور برنامه‌هایش در بودجه‌های سالانه من‌جمله بودجه‌امسال قرار نداده است - اگر این کارها را انجام دهد، به فتری هم وجود نخواهد داشت

چند سال پیش می‌کرد، انجام دهد. خب بسیاری از کارشناسان در سال‌های قبل به کرات در جاهای مختلف تذکر داده بودند که وضعیت بانک‌ها و نرخ سود بانکی و قیمت ارز مبادلاتی با واقعیت‌های اقتصاد ایران سازگاری ندارد و شما باید به تدریج و با آرامش نرخ ارز را تعدیل کنید. این به معنای آن نیست که ما بپذیریم نرخ ارز همیشه باید بالا برود، بلکه اگر بسته‌های اقتصادی صحیح و منسجم و سازگار با شاخص‌های کلان اقتصادی در کشور ارائه و افزایش اشتغال و حتی در بلندمدت شاهد کاهش نرخ سود بانکی خواهیم بود، اما متأسفانه در شرایط حاضر بقیه قسمت‌ها را که تماماً به بانک مرکزی هم مربوط نیست و به حوزه‌های دیگر مربوط است، به امان خدا رها کرده‌ایم و هر وقت هم کم می‌آوریم، شروع به فشار آوردن به نزدیک‌ترین و کم‌جان‌ترین بخش که شبکه بانکی است، می‌کنیم. به هر حال همان‌طور که مستحضری‌د، در هفته‌های اخیر نرخ ارز افزایش پیدا کرد و در مقطعی به مرز ۵۰۰۰ تومان رسید. دلیل اصلی این موضوع را چه می‌دانید؟

تقاضا به دو بخش واقعی یا همان نیازهای طبیعی مردم، اقتصاد و بنگاه‌ها و یکی بخش سوداگرانه تقسیم می‌شود که اگر هر کدام از اینها خارج از حد طبیعی خودشان حجیم شوند، این التهابات را ایجاد می‌کنند.

این اقدام دولت و این سه راهکار که در قالب بسته بانک مرکزی ارائه شده، قبلاً در کشورهایی مشابه وضعیت ما تجربه شده است؟ چون در جایی می‌خواندم که گویا قبلاً مدل مشابهی تحت عنوان «الگوی روسی مهار دلار» با وضعیت مشابه ما اجرا شده است. بله، این روش‌ها در کشورهایی مثل گرجستان و همان‌طور که گفتید روسیه اجرایی شده است و این قبیل اقدامات موضوع جدیدی نیستند. این‌گونه مداخلات، نوعی مداخلات شناخته شده هستند که نزدیک به نیم قرن است در بیشتر کشورها و حتی بعضی اوقات در کشوری مثل آمریکا نیز اعمال شده که البته به این شدت نبوده است.

یعنی به نظر تان این اقدام متناسب با شرایط و مشکل فعلی بازار است و می‌تواند پاسخگوی شرایط فعلی یا موجب اصلاح روند موجود شود یا صرفاً یک مسکن مقطعی خواهد بود؟

در ابتدای بحث هم گفتیم که بانک مرکزی باید به جای این راه‌حل‌های انفعالی و به قول شما مسکن گونه به دنبال راه‌حل‌های منطقی و درازمدت برای پاسخگویی به این نوسانات بوده و این راه‌حل‌ها را از قبل پیش‌بینی کند و نرخ ارز را متعادل و متناسب با وضعیت اقتصادی و سایر شاخص‌های کلان کشور تعدیل کند. بانک مرکزی با رویه غلطی که در حال حاضر دارد و به هر بهانه و استدلالی می‌خواهد نرخ ارز را ثابت نگه دارد یا با نرخ دوتا سه درصد پیش ببرد، در حالی که تورم بنابر آمارهای رسمی بین ۹ تا ۱۱ درصد است. این اختلاف ۶ درصدی در هر سال منجر می‌شود که هر از چندگاهی این التهابات را شاهد باشیم، مگر اینکه به بانک مرکزی دست از این کار بردارد.

به‌طور عمده دو نگاه بین کارشناسان اقتصادی وجود دارد: یک بحث این است که اصلاً در موضوع ارز چیزی به نام فتر جمع‌شده و مستعد افزایش قیمت وجود ندارد. عده‌ای دیگر هم همان‌طور که شما گفتید، به موضوع ماه به تفاوت تورم داخلی منهای تورم خارجی اشاره دارند. جنابعالی به کدام نگاه معتقدید؟

اگر اقتصاد کشور به همین صورت اداره شود، به نظرم این فتر مرتباً در حال فشرده

بنابراین التهابات جدید به‌طور طبیعی ناشی از سرازیر شدن بخشی از نقدینگی‌هایی است که از جاهای دیگر به این قسمت آمده است. دولت هم به صراحت به این موضوع اذعان داشته است. البته این به معنای آن نیست که در بخش عرضه یا تقاضا زمین گیر شدند، بلکه آنها هم می‌توانند موثر باشند، لذا باید به آمارها مراجعه کرد و دید با افزایش پایه پولی و افزایش رشد نقدینگی که از ابتدای دولت یازدهم تا الان بیش از چند برابر شده و اکنون ۱۴۷۰ هزار میلیارد تومان است، طبیعتاً این موضوع نیز کارکرد خودش را دارد و در زمان‌های مختلف برای ورود به بخش‌های پرسودتر هجوم جدی به سایر بخش‌ها را تجربه می‌کند.

به هر حال در روزهای گذشته نرخ ارز روندی کاهشی داشته و به حدود ۴۵۰۰ تومان رسیده است. طبیعتاً نمی‌توان این کاهش را ماحصل اعمال سیاست‌های بسته بانک مرکزی دانست. به نظر تان دلایل این روند کاهشی چه بوده است؟

خیلی از کارشناسان معتقدند نرخ‌های فعلی حبابی است و با شاخص‌های اقتصادی ما سازگاری ندارد؛ یعنی نیاز ارزی ما الان در حد رقم ۴۵۰۰ تا ۴۷۰۰ تومان نیست، پس چرا این التهابات وجود دارد. خیلی‌ها معتقدند این موضوع ناشی از هجوم نقدینگی از سایر بخش‌ها به صورت سوداگرانه به بخش ارز است. یعنی پول‌هایی که باید در جای دیگری عملکرد و کارکرد خودش را به منصفه ظهور بگذارد، الان آن قسمت را رها کرده و در واقع با یک انتظار تورم آینده به بخش ارز آمده است. همان‌طور که می‌دانید، بخش



شدن است، ولی اگر طراحی‌های اقتصادی مبتنی بر برنامه‌های اقتصاد مقاومتی باشد که خود دولت مصوب و ابلاغ کرده است و متأسفانه در عمل هیچ عباتی به آن ندارد - یعنی اقتصاد تولیدمحور را محور برنامه‌هایش در بودجه‌های سالانه من‌جمله بودجه امسال قرار نداده است - اگر این کارها را انجام دهد، به فتری هم وجود نخواهد داشت و این عدم وجود فتر مشروط بر این است که بخش‌های مختلف اقتصادی کشور با محوریت تولید نه با محوریت تنظیم عرضه و تقاضا به هر شیوه من‌جمله واردات فوری طراحی شود.

به هر حال دولت در چند ماه گذشته با توجه به نرخ تورم و در راستای حمایت از تولید، نرخ سود بانکی را به ۱۵ درصد کاهش داد، اما در روزهای گذشته به دلیل نوسانات ارزی به نوعی این نرخ مجدداً به ۲۰ درصد افزایش یافت. اگرچه ممکن است این سیاست مقطعی و به

خاطر نوسانات بازار ارز باشد، اما به نظر تان این عدم ثبات باعث بی‌اعتمادی مردم به تصمیمات دولتی نمی‌شود؟

بله، اما توجه کنید که بانک مرکزی چاره‌ای جز این ندارد. هر استنباطی از این تصمیم شود ولو استنباطی که شما از این تصمیم دارید و به آن اشاره کردید، بانک مرکزی ناگزیر از انجام این کار است، چرا که باید توجه کنیم نرخ سود بانکی متعادل در بازار چه رقمی است. این اشتباه را نکنیم که لزوماً فقط متناسب و بند به

نرخ تورم فعلی نیست، بلکه متناسب با نرخ تورم انتظاری است؛ یعنی نرخ تورم انتظاری آینده در کشور است که نگاه سرمایه‌گذاران را به سود بانکی معطوف می‌کند. اگرچه الان تورم ما رقمی بین ۹ تا ۱۱ درصد است، اما چون تورم انتظاری و اعتماد به بخش‌های سرمایه‌گذاری، مردم و بنگاه‌ها هنوز روی این قسمت ثابت نشده و با توجه به تورم‌های مزمن در چند دهه گذشته جامعه هنوز خیلی به تداوم تورم یک‌رقمی باور و اعتماد ندارد، لذا انتظار جهش تورمی دارد، چون این انتظار برای جهش تورم در جامعه وجود دارد، انتظار سود بالاتر هم دارد، بنابراین آن نرخ است که الان تعیین‌کننده تعادل در جامعه است.

بانک مرکزی عملاً هم با اینکه استدلال شکلی درستی داشته و معتقد است وقتی تورم ما ۱۰ درصد است خب نرخ سود بانکی می‌تواند ۱۵ درصد باشد، اما دیدیم عملاً جواب نداد و با سرازیر شدن این منابع به حوزه‌های دیگر که یکی از این حوزه‌ها بازار ارز بود، این اتفاق افتاد و این التهابات را به وجود آورد و بانک مرکزی را ناگزیر به اتخاذ سیاست‌های جدید کرد.



خودرو

جدیدترین قیمت خودروهای داخلی مدل ۹۷

خودرو	قیمت کارخانه‌ای	قیمت بازار
تیبا	۲۵ میلیون و ۵۵۰ هزار تومان	۲۵ میلیون و ۶۰۰ هزار تومان
پراید ۱۱۱ SE	۲۱ میلیون و ۲۵۰ هزار تومان	۲۳ میلیون و ۲۰۰ هزار تومان
پراید ۱۳۱	۲۱ میلیون و ۳۰۰ هزار تومان	۲۱ میلیون و ۷۰۰ هزار تومان
پژو SLX ۴۰۵	۳۲ میلیون و ۶۰۰ هزار تومان	۳۲ میلیون تومان
سمند EF۷	۳۲ میلیون و ۱۰۰ هزار تومان	۳۴ میلیون و ۳۰۰ هزار تومان
پژو پارس سال	۳۸ میلیون تومان	۳۹ میلیون و ۹۰۰ هزار تومان
پژو ۲۰۶ تیپ ۵	۳۹ میلیون و ۱۰۰ هزار تومان	۴۰ میلیون و ۴۰۰ هزار تومان
پژو ۲۰۶ تیپ ۲	۳۳ میلیون و ۸۵۰ هزار تومان	۳۴ میلیون و ۶۰۰ هزار تومان
پژو ۲۰۶ مدل وی ۸	۳۹ میلیون و ۸۵۰ هزار تومان	۴۱ میلیون تومان
رانا	۳۶ میلیون و ۷۰۰ هزار تومان	۳۵ میلیون و ۱۰۰ هزار تومان
دنا	۴۲ میلیون و ۸۰۰ هزار تومان	۴۶ میلیون و ۴۰۰ هزار تومان



خودرو

جدیدترین قیمت خودروهای داخلی مدل ۹۷

خودرو	قیمت کارخانه‌ای	قیمت بازار
ام وی ام S۱۱۰	۳۲ میلیون تومان	۲۳ میلیون تومان
ام وی ام ۵۵۰	۵۶ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان	۵۶ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان
جک S۵ اتومات	۱۰۴ میلیون و ۹۰۰ هزار تومان	۱۰۵ میلیون تومان
ساندرو	۴۳ میلیون و ۸۰۰ هزار تومان	۴۸ میلیون و ۸۰۰ هزار تومان
ساندرو اتومات	۴۹ میلیون و ۹۰۰ هزار تومان	۵۵ میلیون و ۸۰۰ هزار تومان
ساندرو استپ‌وی	۴۹ میلیون و ۲۰۰ هزار تومان	۵۶ میلیون و ۴۰۰ هزار تومان
ساندرو استپ‌وی اتومات	۵۵ میلیون و ۷۰۰ هزار تومان	۶۴ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان
پارس تندر	۴۱ میلیون و ۴۵۰ هزار تومان	۴۵ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان
تندر ۹۰ پلاس اتومات	۴۹ میلیون و ۱۰۰ هزار تومان	۵۴ میلیون و ۹۰۰ هزار تومان
تندر E۲۹۰	۳۹ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان	۴۴ میلیون و ۸۰۰ هزار تومان